

به یاد استاد هوشنگ ظریف

تو بخوان نغمه ناخوانده من



بیبا یاری

طبیعت پوشانده و تنها تقویم‌ها تا پایان این هفته فرصت دارند در برابر اراده نو شدن مقاومت کنند. با فضایی که همه‌همه‌های نوروزی مبهوت و متوقف مانده، اما چیزی همانند یک خواهش، یک تمنا به نونواری در دل همه ماها جان و امیدی تازه می‌انگیزد. و این تنها پروتو امید را می‌کاریم تا در روزهای آینده خرمی و خوشی را برداشت کنیم.

سالی که گذشت روزهای پرفراز و نشیبی برای موسیقی داشت و رویدادهای زیادی در آن به وقوع پیوستند و عمرهایی نیز در تقویم برای همیشه ثابت ماندند. سالی که در آن بعد از چند دهه

شوراهای موسیقی از سیستم مجوزدهی دفتر موسیقی وزارت ارشاد برچیده شدند و همین‌طور دولت عاقبت پذیرفت که طرح غیر کارشناسانه اخذ ۱۰ درصد از درآمد حاصل از بلیت‌فروشی کنسرت‌ها را در بودجه سال آینده حذف کند که پیروزی بزرگی برای صنف موسیقی و تمامی فعالانی بود که در مخالفت با این طرح فعالیت کردند. روزهای خوش و ناخوش بر احوال موسیقی همانند سال‌های گذشته حاکم بوده و روزگار نیز با سرعت بیشتری از وقایع هر چند سخت بر ما می‌گذرد. ولیکن تقویم دیگر از برخی‌ها عبوری نخواهد داشت. همانند روز ۱۷ اسفند که

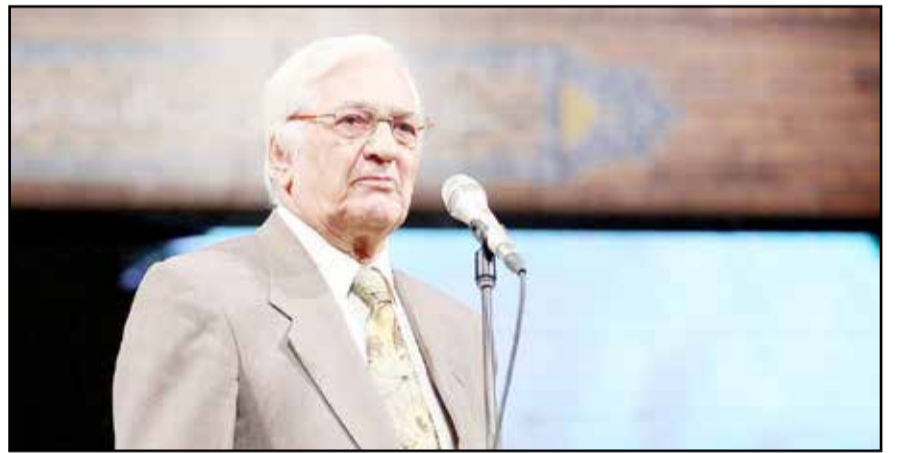
استاد هوشنگ ظریف در آن برای همیشه مهر جاودانگی خوردند. او که سال‌ها معلمی را پیشه ساخته بود در عین اینکه نوازنده بسیار توانمندی بود اما همیشه در قامت یک پرورنده و تعلیم‌دهنده بهترین بود و ماند. شاگردان او اساتید بنامی هستند و بسیار از استادشان به نیکی یاد کرده و می‌کنند.

از این رو در این روزها سعی کردیم از نسل هنرجویان دوران پس از انقلاب در هنرستان موسیقی که شاگردان استاد ظریف بودند مطالبی منتشر کنیم. آزاده امیری، نوازنده و مدرس تار و سه‌تار بخشی از خاطرات هنرستان را در هارمونی تاک مطرح کرده بود در اختیار ما قرار داد و

معلمی برای همه ادوار

به هنرستان بیایند که دیگر حرفی نباشد. تهدید توأم با استرس ناشی از ایجاد بی‌نظمی در هنرستان را به وضوح می‌شد در پس حرف‌هایش که سعی می‌کرد در عین اقتدار، دوستانه هم باشد، فهمید. عصر من و مریم رضایی را به عنوان ارشد‌های کلاس صدا کرد و به کلاس روپروی دفتر فرستاد. در راباز کردیم و وارد کلاس ساز شدیم. بوی غلیظ و بی‌نظیر او دل‌کن اولین چیزی است که به خاطر دارم و بعد قامت کشیده و بارزنده آقای ظریف، شیک پوش باموهای جوگندمی و یک خنده آرام و متین. کاملاً معلوم بود و نیز در جریان تشنج‌های قبل قرار گرفته و او نیز می‌داند که قرار است با هنر جوان آندوهگینی که معلمانشان را از دست داده و نیز دوران پر تنش را گذرانده‌اند، روبرو شود؛ از این رو حتی پیش از همیشه آرام، متین و مهربان بود. اولین درسی که از او گرفتم قطعه‌ای از آقای جلیل شهنواز بود که خودشان، نت کرده بودند. خلاصه اینکه اولین دیدار من با آقای ظریف شاید به خواست و انتخاب خودم نبود. شاید پس از یک توفان عجیب در هنرستان بود، شاید جایگزینی یک معلم، هرچقدر بزرگ و باتجربه به جای معلم هایت سخت باشد، حتی اگر او معلم معلم هایت باشد، اما به یکی از بهترین تجربیاتم بدل شد.

شاید اگر آقای ظریف و اصرار هایش نبود، هیچ وقت مجبور به اجرای اغلب آثار وزیری نمی‌شدم و مثل همیشه به بهانه‌ای از آن شانه خالی می‌کردم، شاید اگر آقای ظریف نبود، بسیاری از کارهای آقای شهنواز نمی‌زدم (چون کارهای آقای شهنواز جزو سرفصل‌های آموزشی هنرستان نبود) شاید اگر آقای ظریف نبود هیچ وقت دیف‌موسی خان‌رامنی‌زدم (دیف آموزشی هنرستان میرزا عبدالله و در دوره عالی علی‌اکبر خان شهنازی بود). کلاس من با آقای ظریف به گونه‌ای خارج از عرف معمول



آزاده امیری

بود. خصوصاً دبیرستانی‌ها و از همه بیشتر سال آخری‌ها. تنها یک لحظه تصور کنید که سال چهارم دبیرستان باشید و بعد از هفت سال آموزش در هنرستان و در شرایطی که بجز درس‌های عمومی، فقط دروس موسیقی خوانده‌اید و بدین واسطه راهی برای تغییر رشته ندارید، مدرسه‌تان به یک‌بار تعطیل شود و از آن بدتر ضربه حسی عجیب آن بود که معلمینی که عاشقانه دوست داشته‌ای و اساساً انگیزه ادامه مسیرت بوده‌اند به یک‌بار به اجبار مجبور به استعفا شده‌بودند.

خانم آذر نوش صدر سالک به مدیریت منصوب و جایگزینی مدرسین آغاز شد. خیلی خوب به خاطر دارم که صبح روز شنبه خانم صدر سالک من را به دفتر هنرستان خواست و گفت: «بین فلاتی و فلاتی را برای تدریس هنر جوهای تار سال پایین تر آوردم امامی دانم که شماها از بار نمی‌روید و می‌خواهید طبق معمول اعتراض کنید و بگویید سسر کلاس نمی‌رویم؛ ولی فقط برای تدریس به شما سال بالای‌ها از معلم‌استادان خواهش کردم که

آقای ظریف را سال آخر هنرستان دیدم. اوضاع بسامانی نبود. مدتی قبل هنرستان به خاطر درخواست حقوق اولیه هنر جوان که توسط اعضای شورای فنی از ارشاد مطرح شده بود، تا پای تعطیلی رفت. حقوقی که می‌گویم، خواسته‌های عجیب و بزرگی نبود، خواسته‌هایی چون تعویض مکان کوچک و فرسوده هنرستان تهیه سازهای جدید، بورسیه هنر جوان ممتاز و... اما ارشاد نپذیرفته بود و تهدید به اخراج امضاکنندگان و شورای فنی و در نتیجه تعطیلی هنرستان کرده بود.

مدیر وقت، خانم زهره فشارکی، عزل شد. اعضای شورای فنی و در رأس آن آقای حسین علیزاده استعفا کردند و در برابر تهدیدها، دودستگی در میان مدرسین آغاز شد. عده‌ای بر تصمیم‌شان ماندند و عده‌ای دیگر منصرف شده و به سر کارشان در هنرستان بازگشتند. اما بیشترین فشار این اتفاق بر هنر جوان

دلنویسته

آن آفتاب خوبان ...

علیرضا بلجی

بر عالم هنر موسیقی ایران نهاد، چنانکه رفتنش باور کردنی نیست، زنده است و ماندگار در دل اعصار.

ابعاد زندگی هنری هوشنگ ظریف بسیار عمیق و گسترده و چشمگیر، فرا روی هر شیفته موسیقی ایرانی قرار دارد. او هم‌زمان در نوازندگی و معلمی و منش والای انسانی و زندگی هنری بزرگ بود و آموزگاری یگانه. برخاسته از هنرستان موسیقی -ملی- و ادوار مختلف هنری را زیسته بود و گنج حضورش

بی‌نظیر و درخشان. هنرجویی که باید با ردیف آشنا می‌شد؛ ردیفی که شاید به دلیل گستردگی و وسعت در نگاه اول بی‌حوصلگی و هراس در دل می‌افتند، اما استاد باحوصله و مشی پدرا، معلم‌وار با بهترین بیان و درک دقیق ملودی‌ها و فراز و فرودها و البته آن سسونوربته خاص چنان او را در مفاهیم و زیبایی شناسی غرق می‌کرد که هراس، به شوق و عشق مبدل می‌شد.

یکی از خصوصیات بارز کلاس‌های درس استاد تکیه بر یادگیری، بر مبنای نت و دشفیر نوازی و سر و کار داشتن با ملزومات

نواختاری موسیقی و تحلیل قطعات بود و چه برانگیزاننده که اغلب قطعاتی که خودشان به نگارش در آورده بودند انتخاب و اجرامی شد. هنر جو باید در طول هفته قطعه مورد نظر را تمرین می‌کرد و بعداً در کلاس با استاد به تصحیح و تکمیل آموخته‌های خود می‌پرداخت و این فرآیند یاددهی -یادگیری منحصر به تجربیات آن بزرگ آموزگار مهربان بود.

برای گروه نوازی و تک‌نوازی و معلمی چه نکات کلیدی و مهم و چه تجربیات ارزنده‌ای مطرح می‌شد؛ و در کنار این همه، کلام

دلنشین و روحیه شوخ طبع ظریف منششان بود که هنر جو را شیفته‌تر از پیش می‌کرد. درباره استاد بزرگمان گفتنی‌ها بسیار است که در این صفحه نمی‌گنجد، اما پایان سخن را به نقل مطلبی از ایشان مزین می‌کنم:

«خبر نگاری از من پرسید چگونه می‌شود که گروه پاپور این قدر کوک، دقیق و بی‌نقص اجرا می‌کند؟! به او گفتم: «بین «باباجان» ما قبل از اینکه بخوایم سازهایمان را کوک کنیم، دل‌هایمان با هم کوک است.»

روحشان در آرامش الهی



استاد را به این درجه از هنرمندی ناب رسانده بود، عشق به موسیقی و تدریس بود که انگار جامه‌ای بود که برای قامت بلند و رعنائی او، دوخته شده بود. خوشحالم که نام ایشان را به عنوان استاد راهنمای پایان‌نامه‌ام (بخش عملی) در دوره کارشناسی ارشد، به یادگار دارم.

همراهی بی‌نظیر و فوق‌العاده استاد، در کنار همسر هنرمندشان سرکار خانم پروین صالح، و عشق بی‌حداش در طول ۶۰ سال زندگی مشترک، یکی دیگر از جنبه‌های زیبای زندگی سرشار از رنگ و نورشان بود.

نام بلندشان، تا همیشه بر قله موسیقی ایرانی خواهد درخشید و یادشان تاابد، در قلب‌های ما زنده و جاوید خواهد ماند.

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷  
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲  
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰  
toseeirani.ir

نوا

فراخوان چهاردهمین جشنواره ملی موسیقی جوان منتشر شد



چهاردهمین جشنواره ملی موسیقی جوان با دبیری هومان اسعدی و مشارکت گسترده استادان موسیقی کشور توسط انجمن موسیقی ایران با همکاری بنیاد رودکی و با حمایت دفتر موسیقی و معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سه بخش «موسیقی دستگاهی ایران»، «موسیقی کلاسیک»، و «موسیقی نواحی ایران» برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی انجمن موسیقی ایران، در بخش «موسیقی دستگاهی ایران» خوانندگان و نوازندگان سازهای تار، تنبک، دف، سننور، سه‌تار، عود، قانسون، کمانچه، نی؛ در بخش «موسیقی کلاسیک» نوازندگان سازهای آپوا، پیانو، ترومبون، ترومپت، فلوت، کلارینت، کنترباس، گیتار، ویلن، ویلنسل، ویولا، هورن؛ و در بخش «موسیقی نواحی ایران» خوانندگان و نوازندگان سازهای زهی، بادی و کوبه‌ای از مناطق مختلف کشور، به رقابت خواهند پرداخت. همچنین، در حوزه موسیقی دستگاهی، بخشی برای «حفظ کل ردیف موسیقی ایرانی» و بخشی نیز با عنوان «بخش ویژه موسیقی دستگاهی: آفرینش در تک‌نوازی» در نظر گرفته شده است.

این جشنواره در قالب سه گروه سنی «الف» تا ۱۵ سال، «متولدین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴»، «ب» تا ۱۹ تا ۲۳ سال، «متولدین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰» و «ج» تا ۲۴ تا ۲۹ سال، «متولدین سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵» برگزار می‌شود. متقاضیانی که سن آنها از ۱۵ سال کمتر است نیز، در صورت آمادگی و تمایل، می‌توانند آثار خود را برای بررسی در گروه «الف» ارسال کنند.

جشنواره ملی موسیقی جوان در دو مرحله برگزار خواهد شد. در مرحله اول باید رپرتوار مشخص شده برای هر بخش به صورت ویدئویی ضبط و در موعد مقرر (حدانکر تا ۱۳۹۹/۲/۳۱)، همراه با فرم ثبت نام و مدارک مندرج در فراخوان، به صورت الکترونیکی در سایت انجمن موسیقی ایران در بخش «بانک اطلاعات موسیقی کشور»، بامک، به نشانی <https://nay.ir/bamak> بارگذاری شود. پذیرش آثار در سامانه «بامک» از ۱۳۹۹/۲/۱۶ تا ۱۳۹۹/۲/۳۱ فعال خواهد بود. پس از بررسی و ارزیابی آثار ارسال، توسط هیات‌های داوری، از منتخبین برای شرکت در مرحله نهایی و اجرای صحنه‌ای در جشنواره، از اواخر تیر تا اواخر مرداد ۱۳۹۹، در تهران دعوت به عمل خواهد آمد. هر گونه تغییر احتمالی در زمان و نحوه برگزاری مرحله نهایی جشنواره از طریق سایت رسمی انجمن موسیقی ایران اطلاع‌رسانی خواهد شد. علاقه‌مندان می‌توانند برای اطلاع از جزئیات این دوره از جشنواره به متن کامل فراخوان (فایل پی‌دی‌اف) در سایت انجمن موسیقی ایران به نشانی [www.nay.ir](http://www.nay.ir) رجوع کنند.

نوا

ماه پیشونی

آثاری از آهنگسازان کودک و نوجوان  
ناشر: ماهور ۱۳۹۸  
ماه پیشونی، مجموعه‌ای از آثار آوازی بر اساس جشن نوروز، و آثار سازی بر اساس بازدید از بناهای تاریخی

و همچنین داستان ایرانی ماه پیشونی است. هر کدام از این آثار، قسمت‌ها و برش‌های مختلف این داستان هستند که جداگانه توسط آهنگسازانی نوجوان، و بر اساس تفکر، احساس و تخیل آنها خلق شده‌اند. این ملودی‌ها و ریتم‌ها نشانگر قدرت آفرینندگی و تجسم خلاق است که از درون داستان برآمده و با درک و شناختی که در گذر زمان و در طول دوره‌های آموزشی این آهنگسازان جوان پدید آمده، شکل گرفته‌اند.

